

■ سال بیست وهفتم ■ شماره ۷۶۵۴ ■ پنجشنبه ■ ۲۷ خرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: مهدی شفيعي
سرديبر: جواد دليري

اذان ظهر ۱۳/۰۵ | اذان مغرب ۲۰/۴۴ | نيمه شب شرعی ۰۰/۱۲ | اذان صبح فردا ۴/۰۱ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

امام جواد(ع): مواظب باش از مصاحبت و دوستی با افراد شرور؛ چون که او همانند شمشری زهر آلود، بزاق است که ظاهرش زیبا و اثرانش زشت و خطرناک خواهد بود.
سخن روز
بحارالانوار، ج۱، ص۱۹۸



انتخابات_۱۴۰۰

فرصت کمی تا برگزاری انتخابات مانده و در این روزهای باقی مانده بحث درباره انتخابات در شبکه‌های اجتماعی با هیجان بیشتری دنبال می‌شود. کاربرانی از طیف‌های سیاسی مختلف سعی می‌کنند بقیه را تشویق کنند روز جمعه در انتخابات شرکت کنند و کاربرانی هم از تبلیغات انتخاباتی و ماجراهایش در شهرهایشان می‌نویسند: «همانطور که از صعود تیم ملی شاد شدیم، ان‌شاءالله ادامه شادی و شغف در ۲۸ خرداد با حضور در انتخابات»، «در انتخابات شرکت کنید یا تکنید مملکت بدون رئیس جمهوری نمی‌ماند فقط تفاوتش در این است یکی دیگر می‌رود پای صندوق و برای تو رئیس‌جمهوری انتخاب می‌کند»، «انتخابات شورای شهر تبلیغاتش خیلی جالبه‌ها! هر دو متر تو خیابون ۱۰ تا کاغذ چسبیده به هم می‌بینی که عکس ۱۰ تا کاندیدای مختلف روشن هست! فقط هم عکس و اسم طرف درج شده. باید از قیافش خوشمون بیاد بهش رای بدیم یا از اسمش؟» «من بارها امکان رفتن داشتم.حتی p۲کانادا رو سوزوندم و نرفتم. همیشه فکر کردم اینجا مال ماست. الان هم ضمن احترام به تصمیم همه رای می‌دم از



اقدام‌ها و هر آنچه که نشانه‌ای از رضایت یا ناراضایتی باشد، تأثیرگذار است.»، «چهار نفر دیگه هم اینکارو بکنن در کوکاولا بسته بشه.»، «این حرکت به هر قصدی عالی بود،» «فقط با یک حرکت ساده میشه یک شرکت

دارپوش ارجمند: دولت جدید با همنشینی اهالی هنر شکل بگیرد

با توجه به جایگاه خاص و رفیع هنر و هنرمندان در جهان، رئیس‌جمهوری آینده می‌تواند این دوره ۴ ساله را کاملاً متفاوت و با همنشینی هنر آغاز کند و با بهره‌مندی ویژه از هنرمندان، ایران را متمایز با گذشته به جهانیان معرفی کند. در خصوص انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز از رئیس‌جمهوری منتخب مردم می‌خواهم برای اولین باریک وزیر از بدنه مدیریتی بومی و وزیر ارشاد را انتخاب کند. این وزارتخانه مدیر و متخصص در امور مدیریتی لازم دارد، نه اشخاص صرفا فرهیخته‌ان این وزارتخانه با سایر وزارتخانه‌ها فرق می‌کند، اینجا بحث تنوع و گستردگی وظایف و حوزه‌های کاری مطرح است و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی، انجمن‌ها، مؤسسات و نهادهایی که در حوزه‌های تجسمی، موسیقی، سینما، تئاتر، شعر، تا حوزه‌های مطبوعات و رسانه، چاپ، نشر، کتاب، قرآن و ... فعالیت دارند. به‌همین دلیل شناخت، تعامل و ارتباط با این حوزه کار آسانی نیست و بسیار نیاز به زمان دارد و معمولا ۴ سال طول می‌کشد که وزیری ناآشنا بتواند اشرافیت کامل به این وزارتخانه عریض و طویل پیدا کند!

گزیده‌ای از یادداشت این بازیگر پیشکسوت خطاب به کاندیداهای ریاست جمهوری در ایستنا

ما آمده ایم تا بمانیم

سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در آستانه برگزاری است، انتخاباتی که نماد وحدت، یکپارچگی و هم‌زبانی ملت ایران است و قطعاً این همبستگی در تعیین سرنوشت کشورمان بسیار حائز اهمیت است. از دیدگاه من انتخابات ریاست جمهوری مهم‌ترین و حساس‌ترین رویدادی است که پیش روی مردم قرار دارد و این ملت ایران هستند که می‌توانند این اتفاق مهم را به درستی هدایت و همراهی کنند، رویدادی که مردم دنیا هم به آن چشم دوخته‌اند. شرکت در انتخابات حق

همه ملت است و این حق برای هر فردی محفوظ بوده است، بنابراین بهتر آن است با بینش و آگاهی بیشتر بهترین و صالح‌ترین را برگزینیم و نقش فعالی در این روزها داشته باشیم، البته که مردم کشور ما، مردمی باهوش و آگاه هستند و با وجود مشکلات معیشتی، گرانی و وضعیت اقتصادی در این بیش از ۴۰ سال ثابت کردند هر زمان که لازم باشد با همه ناملایمات روزگار در

صحنه حضور خواهند داشت و در موقعیت‌های حساس و بزرگه‌های تاریخ به میدان آمده‌اند چه در انتخابات چه در راهپیمایی و دیگر مشارکت‌های دسته جمعی. به شخصه به عنوان عضو کوچکی از جامعه هنری شاهد این موضوع و هوشمندی مردم بودام. باید بگویم که این امیدواری وجود دارد بار دیگر هم مردم حضور جمعی خود را به اثبات برسانند و این شرکت در

یادداشت



محمد کلریز
خواننده موسیقی ایرانی

همه ملت است و این حق برای هر فردی محفوظ بوده است، بنابراین بهتر آن است با بینش و آگاهی بیشتر بهترین و صالح‌ترین را برگزینیم و نقش فعالی در این روزها داشته باشیم، البته که مردم کشور ما، مردمی باهوش و آگاه هستند و با وجود مشکلات معیشتی، گرانی و وضعیت اقتصادی در این بیش از ۴۰ سال ثابت کردند هر زمان که لازم باشد با همه ناملایمات روزگار در

صحنه حضور خواهند داشت و در موقعیت‌های حساس و بزرگه‌های تاریخ به میدان آمده‌اند چه در انتخابات چه در راهپیمایی و دیگر مشارکت‌های دسته جمعی. به شخصه به عنوان عضو کوچکی از جامعه هنری شاهد این موضوع و هوشمندی مردم بودام. باید بگویم که این امیدواری وجود دارد بار دیگر هم مردم حضور جمعی خود را به اثبات برسانند و این شرکت در

کارگردان نمایش «برخورد با جسم سخت» از شرایط اجرا می‌گوید

سخت اما مغتنم

داستان اجرای ما در دوران کرونا این‌طور شروع شد که من پیش از روی صحنه بردن دوباره «برخورد با جسم سخت» در حال تمرین نمایشی بودیم به‌نام «انگ زدایی» که پیشنهادی از طرف مدیرتولید و تهیه‌کننده دریافت کردم مبنی بر داشتن اجرایی در سالن انتظامی و قطعا «انگ زدایی» آتقدرد آماده نبود که روی صحنه برود و به‌همین دلیل تصمیم گرفتیم «برخورد با جسم سخت» را اجرا ببریم. راستش قبل از شروع اجرا و روی صحنه بردن کار در سالن انتظامی، آن‌چنان تصور درست و حتی مثبتی از اجرا در این روزها نداشتیم و تصمیم هم داشتم تا وقتی ماجرای کرونا حل نشده اجرایی روی صحنه نبرم ولی به هر صورت با این ناامیدی کار را روی صحنه بردیم و اصلاً فکر نمی‌کردیم چنین استقبالی از کار بشود. تمام بلیت‌های ما تا پایان ۴تیرماه فروخته شده و این استقبال حتی در اجراهای گذشته و پیش از کرونا هم در کارهای من سابقه نداشت و این موضوع برای خودم هم بسیار دلگرم کننده و قابل تأمل بود. البته تلاش‌های زیادی انجام دادیم تا کار را مناسب شرایط این روزها کنیم و به‌عنوان مثال تغییرات زیادی در شیوه اجرایی کار تا شکل دکور و... به کار بستیم تا بتوانیم کار را به‌روز شده و با جنبه‌های بصری و نمایشی بهتری در معرض تماشای مخاطب قرار بدهیم اما همان‌طور که گفتم اصلاً گمان نمی‌کردیم چنین استقبالی صورت بگیرد. شاید دلیل این استقبال، علاوه بر آنچه گفته شد اپیزودیک بودن کار «برخورد با جسم سخت» است که یک اپیزود آن هم طنز ساده‌ای است که مردم براحتی با آن ارتباط برقرار می‌کنند و سلیقه بخش‌های مختلف مخاطبین را برآورده می‌کند.

با همه این اوصاف، من و گروه‌هم این اجرا را کمی مستثنی از اجراهای گذشته می‌دانیم و صادقانه و کوتاه اگر بخواهم بگویم این اجراهای دوران کرونا انرژی نمی‌دهند. تجربه عجیب و غریبی است برای من و بازیگرانم.

وقتی تماشاچی با ماسک روی صندلی نشسته و در نهایت احساس امنیت صددرصدی ندارد و... ما هم طبیعتاً آن انرژی سابق را از تماشاگر نمی‌گیریم. خیلی اوقات بازیگران من احساسات تماشاگر را درک نمی‌کنند و این باعث گنگی در اجراهای اول ما شده بود و از شب‌های سوم و چهارم به بازیگرانم گفتم کار خودتان را با نهایت انرژی انجام بدهید و فکر کنید تماشاچی در سالن نیست. راه دیگری نبود. راستش من هم این روزها در اتاق فرمان سالن انتظامی با اینکه سالن از تماشاگر پر است اما کارگردانی مثل اجراهای گذشته لذت بخش نیست. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که حال ناخوش همه تئاتری‌ها در دوران کرونا، موضوعی است که تأثیرش را شاید کمی بعدتر در آثار نمایشی نشان بدهد. تئاتر برای ما هم شغل و حرفه است و هم علاقه و عشق.

اگر تئاتر نباشد حال ما خوش نیست و بین دوستان تئاتری این دیالوگ همیشگی وجود دارد که به هم انرژی می‌دهیم و می‌گوییم ما باید مداوم و در هر شرایطی کار کنیم چون اگر شش‌ماه کار نکنیم و اجرا نکنیم دو سال عقب می‌افتم. کسانی مثل من برای این دو سال باید پنج سال تلاش کنند تا آن حس و حال و کشف‌وشهود و بزرگ‌تر شدن روح‌مان در این مدت متوقف بوده و هر کاری هم که کرده باشیم برایمان جایگزین تئاتر نیست. حتماً بعد از این دوران کرونا هم بزرگ‌ترهای تئاتر می‌آیند و سالن‌ها را در اختیار می‌گیرند و بعید به‌نظر می‌رسد برای ما جوان‌ترها، آن چنان جایی پیدا شود؛ پس این روزها با همه سختی غنیمت است.



پیشنهاد برای دیدن: دیدن فیلم nomadland ، «سرزمین خانه به دوش» (که نمی‌دانم چقدر می‌تواند ترجمه خوبی برای عنوان فیلم باشد)، شاید در این روزها خالی از لطف نباشد. فارغ از اینکه فیلم جوایز اصلی اسکار امسال یعنی بهترین فیلم، کارگردانی و بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرده اما داستان سرراست و شخصیت اول جذاب فیلم که با بازی فرانسویس مک دورموند با هنر کارگردان در ترکیب با بازی نابازیگران که برخی نقش خودشان را در فیلم بازی می‌کنند، دنیایی آفریده که تماشاگر را بخوبی با سفر یک ساله شخصیت همراه می‌کند. داستان فیلم درباره زنی ۶۰ ساله است که در دوران رکود اقتصادی همه چیز خود، از جمله خانه‌اش را از دست داده، عازم سفری به غرب امریکا شده و خانه‌اش را در یک ماشین ون به دوش می‌کشد. فیلم به زیبایی مفهوم خانه، سرزمین و خانواده را بازتعریف کرده و در این سال که هریک از ما هم مفهوم خانه را به شکلی دیگر تجربه کرده، شاید دیدن فیلم لذتی دوجندان برابمان داشته باشد.

پیشنهاد برای خواندن: حتماً تا امروز دیگر فیلم «پدر» ساخته فلوریان زلر را دیده‌اید. پیشنهاد من برای خواندن بعد از دیدن فیلم، نمایشنامه‌های فلوریان زلر است که به همان اندازه فیلم اولش جذاب، گیرا و تأثیرگذار هستند. نمایشنامه‌های «پدر» (که فیلم از روی همین نمایشنامه ساخته شده) ، «مادر»، «پسر»، «دروغ» ، «او منتظرت است» ، «یک ساعت آرامش» را که همه در مجموعه درام معاصر فرانسوی از انتشارات علمی و فرهنگی ترجمه و چاپ شده‌اند وقتی دست بگیرید، یک‌نفس تا به انتها می‌خوانید. اگر از دیدن فیلم «پدر» لذت بردید، قطعاً نمایشنامه‌های زلر هم به اندازه فیلم برای شما لذتبخش خواهند بود.

پیشنهاد برای شنیدن: تجربه شنیدن آلبوم sleep (خواب) از max richter (مکس ریختر) را از دست ندهید. هر چند ریختر این آلبوم را دو سال پیش ساخته اما هنوز هم تازگی خود را از دست نداده است. این آلبوم که شاید طولانی‌ترین قطعه موسیقی‌ای باشد که تا به حال ساخته شده، هشت ساعت است و ریختر آن را با این ایده عجیب ساخته که شنونده آلبوم را در هشت ساعت خواب شبانه‌اش گوش بدهد! در واقع این آلبوم به گفته خود او «یک لالایی هشت‌ساعته» است. این اثر در واقع روزهای پریشان احوالی‌مان، آرامش‌بخش‌ترین دارویی است که می‌توان به هر کسی پیشنهاد داد.

عکس نوشت

اهالی شهرها و استان‌های مختلف با هنرها و لباس‌های رنگارنگ شان مردم را به حضور در پای صندوق‌های رای در روز جمعه دعوت می‌کنند.



فجرم، الیف شافاک، صابر حسینی، تیماز

ضرورت حفظ حیات کتابفروشی‌ها

برپایی طرح‌های تخفیف فصلی کتاب که تازه‌ترین آن بهارانه کتاب ۱۴۰۰ بود از جمله اقدامات خوب مسئولان فرهنگی طی سال‌های اخیر است. برگزاری این طرح‌هایی که تقریباً فصلی یک مرتبه شاهد اجرای آنها هستیم بهترین فرصت برای جلب توجه مردم به کتابفروشی‌ها به شمار می‌آید.

اتفاق مهمی است که مردم به کتابفروشی‌ها بروند، هرچند که اطلاع‌رسانی این دوره تا حدی تحت تأثیر تبلیغات انتخابات دیده نشد. با این حال استقبال مردم باوجود مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های کرونایی خوب بود. من هم با دیگر همکارانم موافق هستم که تأکید دارند طرح‌های تخفیف از عادلانه‌ترین شیوه تخصیص بارانه هستند که در حوزه کتاب شاهد بوده و هستیم. امیدوارم این شیوه طی سال‌های آینده هم ادامه پیدا کند؛ حداقل تا هنگامی که اقتصاد و شرایط نشر با ثبات روبه‌رو شود. خوشبختانه مردم کمابیش خوب کتاب می‌خرند؛ حداقل تجربه نشر و کتابفروشی نگاه که اینگونه است.

البته کتاب در حال گران‌تر شدن هست؛ هم بابت افزایش و کمبود کاغذ و هم سایر هزینه‌های چاپ از جمله فیلم، ریزنک و حتی حق الزحمه صحافی و... در نظر گرفتن چنین تخفیف‌هایی سبب می‌شود هم مردم بتوانند کتاب بخردند و هم چراغ نشر تا بهبود شرایط خاموش نشود.

به‌عنوان یکی از اهالی نشر امیدوارم کتاب به جایگاهی در زندگی یک به یک مردم سرزمین‌مان دست پیدا کند که دیگر فلان چهره فوتبالی در برنامه تلویزیونی طوری صحبت نکند که انگار نمی‌داند کتاب چیست یا نویسنده و مترجم کیست! برای نهادینه کردن ضرورت فرهنگ مطالعه در زندگی‌مان به تلاشی بیش از آنچه تا به امروز انجام شده نیاز است.

آرزوی من این است که به شرایطی برسیم که



کتاب دیگر برای هیچ‌کسی غریبه نباشد، مطالعه جزئی از بایدهای زندگی همگان شود. البته در این بین گذشته از نقش رسانه‌ها، حمایت‌های اینجینیی هم مؤثر خواهد بود؛ بویژه که در این طرح‌های تخفیف فصلی شاهد تزریق بارانه مورد نظر به طور مستقیم به مخاطبان هستیم. این روزها که تعطیلی‌های اجباری کنترل کرونا هرازچندی گریبان کتابفروشی‌ها را هم می‌گیرد باید برای حفظ ارتباط مردم با آنها کاری جدی کرد. برخی دوستان به کتابفروشی‌های محلی و ضرورت حفظ آنها برای حیات فرهنگی محله‌ها اشاره می‌کنند، گفته درستی است. من هم به آن معتقدم منتها تأکید دارم کتابفروشی‌ها در هیچ نقطه‌ای نباید تعطیل شوند. اینها سرمایه‌های فرهنگی‌مان هستند برای برقراری حیات آنها به همراهی سیاستگذاران کلان فرهنگی نیاز است. کتابفروشی چه در محله‌ای کوچک باشد و چه در مجتمعی بزرگ، چه در شهری دورافتاده و چه در تهران، باید برای برقرار ماندن آن کوشید؛ البته که بخشی از این تلاش می‌تواند از همراهی خود مردم نشأت بگیرد.

